پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین
مدیرمسئول: عادله مهرابی
زیر نظر شورای سردبیری
صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

چاپ: سیمرغ
آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر.
شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱
وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

شهر فرهنگ

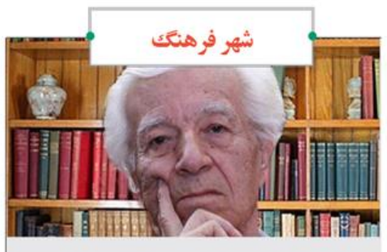

با یاد دکتر احسان اشراقی

سومین جشن کتاب و کتابخوانی برگزار شد

سومین روز از آذرماه ۱۴۰۰ ، در پایان هفته کتاب و کتابخوانی، تالار اجتماعات کتابخانه امام در انتظار نویسندگان، مولفان، مترجمان و مروجان کتاب است تا بر صندلی‌های خالی بنشینند و سومین دوره جایزه کتاب سال مزین به نام دکتر احسان اشراقی، آغاز شود.

● دکتر اشراقی و کتاب سال قزوین

در سالن انتظار خبرنگار و فیلمبردار صدا وسیمای استانی با چند نفر گفت‌وگو می کنند. خانواده دکتر احسان اشراقی نیز حضور دارند در ردیف جلو نشسته‌اند. دکتر احسان اشراقی از مفاخر بزرگ استان قزوین و چهره‌های ماندگار تاریخ ایرانی است که در حوزه علوم مرتبط با تاریخ و تاریخ‌نگاری خدمات ارزنده‌ای دارند وی مصحح متون مهم تاریخی، صفویه شناس برجسته و مترجم بود. دکتر احسان اشراقی سال ۱۳۰۷ در قزوین متولد شد و در رشته تاریخ از دانشگاه تهران دکترا گرفت، وی در سن ۹۱ سالگی پس از نگارش ده‌ها عنوان کتاب و بیش از ۶۰ عنوان مقاله و ۶۰ سال سابقه تدریس تاریخ دنیای فانی را ترک کرد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین در مورد این شخصیت ماندگار می گوید: ایشان ستاره درخشان ایران شناختی در سطح جهان بودند و از همین روی نیز به نام شیخ المورخین شناخته می‌شوند.

اسماعیلی می‌افزاید: ذکر نام بلند بالای ایشان در سومین دوره جایزه کتاب سال قزوین می‌تواند مردم قزوین را بیش از پیش با مفاخر و بزرگان این شهر آشنا کند و یادآوری مناسبی برای اهالی علم و ادب باشد که قزوین اگر امروز در این جایگاه قرار دارد به واسطه تلاش و ازخودگذشتگی پیشینیان بوده است.

● انتشار ۳۹۵ عنوان کتاب در نیمه نخست سال ۱۴۰۰

محمدحسین اسماعیلی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین که نخستین سخنران مراسم است در ابتدا تعداد کتاب‌های منتشر شده در سال گذشته را ۶۶۳ عنوان کتاب در تیراژ ۸۶۵ هزار نسخه در استان قزوین عنوان کرده و می‌افزاید: در نیمه نخست امسال نیز حدود ۳۹۵ عنوان کتاب توسط ناشران استان به چاپ رسیده است. از این تعداد کتاب ۲۱۴ مورد آن تالیف نویسندگان استانی و ۱۴۵ مورد آن هم ترجمه بوده است.

اسماعیلی تعداد ناشران دارای مجوز را ۶۵ انتشاراتی اعلام می کند که در حوزه چاپ، نشر، تالیف و ترجمه کتاب فعالیت می کنند و از این تعداد ۲۰ ناشر فعال هستند و در حال حاضر ۲۰۲ نفر از نویسندگان، مترجمان و مولفان استان قزوین جزو خانواده اهل قلم هستند.

● چالش‌های روزگار تکنولوژی و روند آن بر مطالعه

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین به چالش مهم این دوران و تاثیر تکنولوژی در روند کتابخوانی اشاره کرده و می گوید: با وجود توسعه تکنولوژی و افزایش راه‌های دسترسی مردم به منابع اطلاعاتی کارشناسان و پژوهشگران این حوزه همچنان معتقدند تاثیرگذاری کتاب فیزیکی به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای انتقال دانش با هیچ بستر دیگری قابل مقایسه نیست به همین دلیل معتقدیم به موازات توسعه تکنولوژی باید فعالیت‌های ترویجی و فرهنگی در حوزه کتاب و کتابخوانی افزایش پیدا کند. در دنیایی که سرانه مطالعه از شاخص‌های توسعه فرهنگی ملت‌ها محسوب می‌شود ، نمی‌توان کتاب را نادیده گرفت.

شاید برگزاری رویدادهای متمرکز فرهنگی نظیر گرامیداشت هفته کتاب بتواند یک موج همگانی برای توجه دوباره به این بستر فراگیر علم و دانش منتهی شود.

● کمبود کاغذ و تاثیر آن بر انتشار کتاب

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین تاکید می کند: قطعا در خصوص مسئله تاثیرگذار و فراگیری نظیر مطالعه نمی‌توان یک دستگاه خاص را متولی دانست و انتظارات این حوزه را از آن توقع داشت، چرا که رسیدن به نقطه مطلوب در این بخش نیازمند تلاشی همگانی و استفاده از ظرفیت‌های دولتی، خصوصی و نهادهای مشارکتی مردمی است.

وی به مشکلات انتشار کتاب اشاره می کند: امروز ناشران و نویسندگان ما با مشکلات متعددی نظیر گرانی و کمبود کاغذ مواجه هستند که مسیر تولیدات فرهنگی را با دشواری‌های فراوانی همراه کرده، معتقدیم در شرایط کنونی حمایت از ناشران، مولفان و نویسندگان می‌تواند به حمایت از کتاب و کتابخوانی منجر شود.

وی در پایان می گوید: قطعا اگر فعالان این حوزه از سوی مسئولان و نهادهای مرتبط مورد حمایت قرار گیرند با افزایش موجی از تولیدات ارزشمند و محتوای مناسب در استان قزوین و کشور مواجه خواهیم بود و مشکل امروز کاهش تیراژ کتب چاپ شده نیز مرتفع می‌شود.

هنر

گپ

تئاتر قزوین همیشه یک تئاتر جوان، پویا و سرزنده است

گفت‌وگو با مرتضی نجفی، کارگردان و بازیگر تئاتر

تئاتر در قزوین قصه‌ای با روند و شمایل نمودار سینوسی است، با اوج و فرود و کشمکش و صعود...

تئاتر قزوین زنده و پویا است، از آن رو که خاک صحنه دامن‌گیر است و هرچه تماشاگر سرش به جایی دیگری گرم باشد و هرچقدر نسل‌های تربیت شده در تئاتر مهاجرت کنند ولی عاشقانی هستند که چراغ سالن‌های غیر استاندارد تئاتر قزوین! را روشن نگه دارند و تماشاگران را به دیدن نمایش دلگرم.

به بهانه برگزاری جشنواره تئاتر استان قزوین که هر آبان شور و شوقی در بین تئاترهای روشن می کند با مرتضی نجفی کارگردان، بازیگر و طراح صحنه گفت‌وگو کردم از نخستین مصاحبه‌ام با او که برای ویژه نامه تئاتر جشنواره انجام شد بیش از ۲۰ سال می‌گذرد، در تمام این سال‌ها شاهد بودم مرتضی نجفی با علاقه‌ای وصف ناشدنی دغدغه‌اش؛ تئاتر را پیگیری کرده و همواره موفق شده است. گواه آن حضور در شش دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است و کارنامه‌ای پُرثمر از ۳۰ اجرای نمایشی، سینمایی و تلویزیونی. البته که قفسه‌ای از لوح‌ها و نشان‌های متعدد برای کسب عناوین برتر هم در کتابخانه‌اش به چشم می‌آید.

باقی روایت را در این پرسش و پاسخ بخوانید از جمله موفقیت تازه‌اش در جشنواره تئاتر استانی را....

فاطمه شریف‌نژاد

● آقای نجفی! راه طولانی را طی کرده‌اید اگر اشتباه نکنم از خرمشهر تا قزوین، چطور به این نقطه رسیدید و چطور نمایش شد دغدغه‌تان؟

من متولد ۲۸ خرداد ۱۳۵۵ هستم و در خرمشهر به دنیا آمدم پدرم نظامی و درجه‌دار شهربانی بود و دوران خدمتش را در خرمشهر سپری می کرد و در همین شهر ازدواج کرد و مادرم نیز دورگه خرمشهری- اصفهانی است. بعد از پنج‌سال که جنگ شد ما مهاجرت کردیم و در شهرهای مثل اصفهان، ایلام و اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه زندگی کردیم. سال ۸۰ به قزوین مهاجرت کردیم دلیلش هم نبود موقعیت‌های شغلی مناسب بود. آشنایی‌ام با تئاتر مثل اکثر هنرمندان تئاتر در مدرسه و در دوران راهنمایی اتفاق افتاد. از سال ۶۵ در اصفهان با تئاتر دانش‌آموزی آشنا شدم ولی از سال ۷۰ تقریبا کار حرفه‌ای را در زمینه کارگردانی و بازیگری تئاتر شروع کردم. بعد هم حضور در جشنواره‌ها اتفاق افتاد و اگر اشتباه نکنم از سال ۷۰ تا ۷۶ فقط بازیگری می کردم ولی برای نخستین‌بار اولین نمایشم را در شهرستان اسلام‌آباد غرب کارگردانی کردم- آن زمان در این شهر زندگی می کردیم- سال بعدش به شهر تاکستان مهاجرت کردیم و سال ۸۰ در قزوین ساکن شدیم. در تمام این سال‌ها در شهرهای مختلف تئاتر کار کردم و امسال هفتمین دوره‌ای است که در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارم. در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی، ملی و استانی حضور داشتم و جوایز متعددی هم گرفتم.

اینکه چرا تئاتر دغدغه من شد، شاید برمی‌گردد به زمانی که تئاتری را در مدرسه دیدم و این حس را پیدا کردم که استعدادم در این زمینه است و متوجه شدم که می‌توانم با این هنر به یک آرامشی برسم. کیف می کردم با تئاتر. دوره‌های مختلف هنری مثل نقاشی و خوشنویسی را می گذراندم و تقریبا هنرهای مختلف را تجربه می کردم ولی دغدغه اصلی‌ام تئاتر بود و بازیگری. با سختی‌های زیادی هم دست‌و پنجه نرم کردم. خانواده مخالفت می کرد و یک دوره‌ای به خاطر تئاتر سرکلاس‌هایم هم نمی‌رفتم و ترک تحصیل کردم ولی بعد درسم را ادامه دادم و کارشناسی ارشد بازیگری را هم گرفتم. شاید دوران کاریم در تئاتر کند گذشت و در دوران جوانی و نوجوانی زودتر از اینها می‌توانستم در عرصه‌های بالاتر تئاتر کار کنم ولی به دلیل امکانات کم شهرستان اسلام‌آباد غرب و دوری از پایتخت _ تقریبا همه فضای حرفه‌ای تئاتر کشور در تهران متمرکز بود _ و ما امکان رفت‌وآمد و ارتباط گرفتن با هنرمندان حرفه‌ای را نداشتیم. آن زمان هم فضای مجازی و کامپیوتر هم نبود. شاید در طول سال یک یا دو کتاب برای مرکز هنرهای نمایشی شهر ما ارسال می‌شد و ما مدام آن کتاب را مرور می کردیم و می‌خواندیم.

● بیش از بیست سال است در تئاتر قزوین حضور موثر دارید، در کلیت این هنر را در قزوین چطور ارزیابی می کنید؟

می‌توانم این‌طور تئاتر قزوین را ترسیم کنم که تئاتر قزوین همیشه یک تئاتر جوان، پویا و سرزنده بوده و به دلیل نیروهایی که در این شهر کار می کنند. نسل‌های مختلف مدام می‌آیند و مراحل حرفه‌ای گری را طی می کنند و از این شهر می‌روند و در فضای حرفه‌ای پایتخت مشغول می‌شوند و تعدادی جوان دیگر جایگزینشان می‌شوند. یکی از دلایلی که تئاتر قزوین را تئاتری جوان می‌نامم جشنواره تئاتر جوان است که سیزده چهارده سال ار برگزاری‌اش می گذرد و مختص جوانان و کسانی است که تازه شروع به کار کرده‌اند و باعث می‌شود شور و نشاطی به تئاتر قزوین تزریق شود و نوجوانانی که فکر می کنند در این هنر استعداد دارند خودشان را در این جشنواره بیازمایند و به جامعه تئاتر حرفه‌ای قزوین و کشور معرفی کنند و بسیاری از کسانی که الان کار حرفه‌ای می کنند در دوره‌های پیش این جشنواره حضور داشتند. تئاتر قزوین به دلیل نزدیکی به پایتخت شرایطی دارد که خیلی از بزرگان سینما و تئاتر کشور زمانی در آن حضور داشتند ولی بعد مهاجرت کردند. البته شاید این اتفاق یکی از مشکلات این شهر باشد. ولی هر کس دوست دارد پیشرفت کند و در فضای بزرگ‌تری فعال شود. تئاتر قزوین از حالت بومی خارج شده و یک سردرگمی هم در تئاترهایی که کار می‌شود وجود دارد و مثل شهرستان‌های دیگر مثل بوشهر، بندرعباس، کردستان و ... نیست و هویت بومی خود را از دست داده. شاید هم از قبل نداشته و به آن فکر نشده و در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته که از دل این پژوهش‌ها یک کار بومی _ محلی و یا فولکلور در بیایید و بگویند این نمایش مختص استان قزوین است یا درباره استان قزوین است. در جشنواره‌ها و نمایش‌هایی که به روی صحنه می‌روند هم این را نمی‌بینیم من هم در این زمینه کار نکرده‌ام و هنوز نمایشی که بتواند فرهنگ قزوین، مشاهیر قزوین و مردم قزوین را معرفی کند، نداشتیم.

● تئاتر قزوین دوره‌های متفاوتی را طی کرده است دوران بسیار موفق و هم دورانی که دچار رخوت شده، به نظرتان چطور می‌شود به دوران پُرشکوه بازگشت، در کل رونق تئاتر در گرو چه عواملی است؟

اگر بخواهیم از منظر حضور تئاتر قزوین در جشنواره‌های بین‌المللی تئاتر را ارزیابی کنیم دهه ۸۰ و ۹۰ باشکوه‌ترین دوران است و نسل جدیدی که در تئاتر قزوین فعالیت می کند حرف‌هایی زیادی در آینده نزدیک خواهد داشت و می‌تواند تئاتر قزوین را معرفی کند و مورد توجه تماشاگران خاص و عام قرار می گیرد و استادان تئاتر در جشنواره‌ها از این تئاترها یاد می کنند. تئاتر در چند دهه اخیر به دلیل مشکلات اقتصادی و همین‌طور به دلیل ورود فضاهای مجازی به زندگی مردم، تماشاگرانش را از دست داده ولی خود تئاتر راهش را ادامه می‌دهد و درست است که بچه‌های تئاتر سختی‌های زیادی می کشند ولی با همه این سختی‌ها کار می کنند و نمایش روی صحنه می‌برند.

● به نظر می‌رسد هنر تئاتر در قزوین بین دو عامل در کشاکش است، هنرمندانی پیگیر و فعال و نبود امکانات، درست است؟

گزینه زیادی وجود دارد که می‌توان موجب رونق تئاتر شود. هم می‌توان عوامل مادی باشد و هم معنوی، نیروهایی که تربیت می‌شوند و بحث آموزش و نوع نگاه ما به تئاتر که چگونه باشد و اصولا خواسته ما از تئاتر چه باشد. همه موثرند. اگر فقط می‌خواهیم نمایشی را روی صحنه ببریم و چهار نفر بیایند و ببینند و به‌به چه‌چه کنند یا که نه می‌خواهیم حرفی بزنیم و مشکلی را مطرح کنیم و در خصوص آن گفت‌وگو کنیم نظریه بدهیم و پژوهش کنیم. اینها عواملی است که می‌تواند تئاتر را رونق دهد اما عامل اصلی که تئاتر باید روی آن مانور بدهد و سرمایه‌گذاری کند حضور تماشاچی در سالن‌های تئاتر است. مرحله اول از هنرمند شروع می‌شود باید سراغ متنی برویم که دغدغه خودمان و جامعه باشد متنی که جامعه بتواند با آن همذات‌پنداری کند. در وهله دوم بازیگران و عواملی را انتخاب کنیم که تماشاچی بتواند تحملش کند. یکی از عواملی که نمایش را موفق می کند این است که تماشاگر سرگرم شود. حرفت را می‌زنی و نقدت را هم مطرح می کنی اما با ساختار محکم بازی‌های خوب و کارگردانی درست. و مهم‌تر از آن تبلیغات مناسب است تماشاگر را باید راغب کرد که به تماشای کار بیاید. در این حوزه در قزوین مشکل داریم. یک بخشش به دلیل نبود بودجه کافی است و مسئله مهم‌تر این است که ما در این شهر سالن استاندارد نداریم. یعنی وقتی می گویم نداریم اغراق نکردم. سالن علامه رفیعی از استاندارد دور است. سالن انتظار ندارد ، نور ندارد ، آگوستیک نیست و مشکلات سخت‌افزاری سالن زیاد است. امسال و سال گذشته آقای دکتر اسماعیلی که به نظر از بهترین مدیرانی بوده که در این سال‌ها در اداره فرهنگ کار کرده کمک کردند که در مجتمع ارشاد یک پلاتو بسازیم اگر کمک‌های ایشان نبود این پلاتو هرگز ساخته نمی‌شد. پلاتویی که می‌توان برای اجراهای تک نفره و دو نفره از آن استفاده کرد. شهرداری هم در کنار پارک ملت یک مجموعه را می‌سازد که هنوز تکمیل نشده امیدوارم این مجموعه به دست تئاتری‌ها سپرده شود. به هرحال تئاتری‌ها سال‌هاست که مستاجرند و دوست دارند یک خانه از خودشان داشته باشند و این خانه ماست.

● از نمایش تازه‌تان بگویید که به تازگی در جشنواره تئاتر استانی به رتبه اول دست یافت، بعد از نزدیک به دو سال دوری از صحنه بازگشت موفقیت‌آمیزی بود؟

ما یعنی گروه «تئاتر نگاه نو » سال‌هاست در کنار هم کار می کنیم و یکی از حرفه‌ای‌ترین گروه‌هایی هستیم که در سطح کشور فعالیت می کند گروه ما کاملا خودکفاست. تمام متن‌هایش که در جشنواره فجر پذیرش شده در گروه نوشته شده، نویسنده دارد و نویسندگان با گروه تعامل دارند مدام متن تولید می کنند آقای حامد مکملی که افتخار دارم چندتا از متن‌هایش را کارگردانی کردم، آقای مهدی خدایی و خانم حمیده وحیدی از نویسندگان گروه هستند، در گروه ،کارگردان و طراح لباس و طراح صحنه و طراح گریم داریم .گروه هم خودکفاست هم همدل.

امسال هم گروه نمایشی نگاه نو با سه اثر در جشنواره تئاتر استانی شرکت کرد: نمایش کوف بور به نویسندگی و کارگردانی دوست خوبم آقای حامد مکملی، نمایش پروانه الجزایری به کارگردانی آقای سعید شیخی و نمایش زندگی سگ‌مرده به نویسندگی حامد مکملی و کارگردانی بنده در جشنواره حضور داشت. نمایشنامه «زندگی سگ‌مرده» ، حدود سه ماه پیش تکمیل شد و تمرین را شروع کردم و توانستم یک تجربه جدید و تازه‌ای داشته باشم. تقریبا ۹۰ درصد از بازیگران این نمایش شاگردان خودم هستند و برای اولین‌بار روی صحنه حضور دارند این چالش برایم جذاب بود. در این سه‌ماه تمرینات فشرده‌ای را با این دوستان انجام دادیم که نمایش را به جشنواره استانی برسانیم. نمایش هم برای معرفی به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برگزیده شد و رتبه کارگردانی اول، طراحی صحنه اول، بازیگر اول -آقای پیام نوروزی _و تقدیر از طراحی لباس و همین‌طور گریم و نویسندگی اول را به دست آورد.

● پاندومی و تعطیلی تمام فعالیت‌های فرهنگی هنری چه تاثیری روی جامعه گذاشته، راهکاری می‌توان اندیشید برای مواقع این چنینی؟

از سال ۹۸ که کرونا وارد ایران شد تئاتر هم بی‌نصیب نماند سالن‌ها تعطیل شد تمرینات تعطیل شد و هنرمندان همه خانه‌نشین شدند و بخش زیادی از هنرمندانی که خانه‌نشین شدند کسانی بودند که شغل اصلی‌شان تئاتر بود و شغل و درآمد دیگری به جز تئاتر نداشتند. از نظر مالی بسیار متضرر شدند و دولت بسیار جزیی به آنها کمک‌های کرد. اما هنرمند جدا از بحث مالی وقتی تئاتر کار می کند انگار زندگی‌اش جریان دارد و زمانی که کار هنری نمی کند؛ زندگی‌اش متوقف شده است و درجا می‌زند و این برای یک هنرمند می‌تواند مرگ موقت باشد. ما هم در این یکی دو سه سال تقریبا جسته گریخته تمرین می کردیم کرونا می گرفتیم خوب می‌شدیم و مشکلاتی زیای داشتیم بعضی از دوستانمان از جمله استاد ناصر ایزدفر را در این دوره از دست دادیم که بسیار ناراحت کننده بود. آقای ایزدفر بزرگ تئاتر بود و بسیار دوستش داشتیم. بخش زیادی از تئاتر قزوین را مدیون ایشان هستیم امیدوارم روحشان شاد باشد. در حال حاضر هنرمندان کار می کنند با تمام موانعی که کرونا به وجود آورده، در واقع دارند می‌جنگند. از کرونا جنگیدن را آموختیم. پارسال هم در جشنواره تئاتر فجر حضور داشتیم با نمایش «کمین ژاله» به نویسندگی و کارگردانی آقای حامد مکملی. که دوران اوج کرونا بود. ما با حفظ تمام پروتکل‌ها تمرین می کردیم. با ماسک بسیار سخت بود. کار را به جشنواره رساندیم و جایزه ویژه هیات داوران را گرفت که افتخاری است برای تئاتر قزوین.

کرونا تجربه خوبی می‌تواند باشد شاید این تنها بیماری همه‌گیر نباشد و زمانی بیماری دیگر با نامی تازه بیایید. از حالا باید به فکر باشیم و از تجربه این سال‌ها استفاده کنیم البته تاریخ نشان داده است که ما کلا فراموش کاریم و منتظر می‌مانیم که اتفاقی بیفتد آن وقت به فکر می‌افتیم که چاره‌ای برایش بیاندیشیم. امیدوارم آیندگان از گذشتگان که ما هستیم درس بگیرند و راحت‌تر با این قضیه کنار بیایند.

باران رحمت

پیامبر اکرم (ص) :
همانا خداوند به سه گروه وعده داد، بدون حساب وارد بهشت شوند، و هر یک از این سه گروه (روز قیامت) می توانند هشتاد هزار نفر راشفاعت کنند وآن ها عبارتند از: ۱- مؤذن ۲- امام جماعت ۳- کسی که وضو بگیرد، سپس داخل مسجد شود و نماز را به جماعت به جا آورد.

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۸۸

شهر کتاب

از سبزه تا ستاره

دکتر بهاالدین خرمشاهی
چاپ اول نشر قطره/ ۱۳۸۶
۱۰۰۰ نسخه/ ۴۱۵ صفحه

مقالات و مباحثی در زمینهٔ قرآن پژوهی، حافظ پژوهی، فلسفه، عرفان، دین پژوهی، ادبیات قدیم و جدید، نقد کتاب وطنز، این مجموعه شامل ۱۱مقاله(قرآن‌پژوهی) ۵مقاله(حافظ‌پژوهی) ۷مقاله(فلسفه،عرفان و دین‌پژوهی)۹مقاله(ادبیات قدیم و جدید) ۶ مقاله(پاسخ به نظرخواهی و نقد کتاب) و سرانجام ۵ مقاله (طنز) جمعا شامل ۴۴ مقاله است که با مصاحبه‌ای با دکتر خرمشاهی در حکم مقدمه آغاز می‌شود. این مجموعه ادبیات‌پژوهی و نقدادبی با تقسیم‌بندی جالب مولف در۶گروه مذکر فراهم شده‌است. از مقالات مستدل و نواندیشانه در خصوص مباحث قرآنی و فلسفه و عرفان تا نقد دفتر شعر سراینده کمتر شناخته‌شده‌ای همچون فهیمه غنی‌نژاد .مقالهٔ «آیا هر شاعری زبانی دارد؟» مقایسه جالبی از ۱۰ شعر سپید شاعران معاصر است که مؤلف را به نتیجه گیری «بیان متفاوت» شاعران مختلف به جای «زبان مختلف» می‌رساند. بخش انتهایی کتاب نیز به طنز اختصاص دارد که از جمله تخصص‌ها و دلبستگی‌های خرمشاهی طی نیم قرن فعالیت مستمر ادبی است و با «مانیفیست دادائیست شعر/ نثر هذلول» که ترکیب نشر شعر (مثنوی) خرمشاهی به وضعیت شعر طنز معاصر -دوره متاخر- می‌پردازد.

● راهنمای ادبیات معاصر قزوین- موسسه فرهنگی هنری خانه کتاب به آفرید

گذر

هراس عروس صفوی در میدان سعادت قزوین

گل‌حرم از ساعت حرکت از زنجان تا موقعی که به میدان سعادت رسیدند، دائما شاد و خندان بود و تبسم از لب‌هایش محو نمی‌شد. با بی‌بی می گفت و می‌خندید. هرچه به شهر قزوین نزدیک‌تر می‌شدند دلشوره نشاط آمیزش بیشتر می‌شد و دل در سینه‌اش از مسرت و سعادت می‌تپید. وقتی قافله وارد میدان سعادت شد و یک مرتبه متوقف گردید. گل حرم در وهله اول تصور کرد که یا خود شاه یا موکب دیگری به استقبالش آمده است. وجد و سرورش به حد اعلا رسید. آهسته گوشه پرده تخت را کنار زد و نگاه کرد میدان را پُر از جمعیت دید. تصور کرد که مردم شهر از ورود عروس سلطنتی خبردار شده و به تماشا آمده‌اند. لبخند غرور آمیزی زد، ولی این تبسم بیش از آنی نبود. قلیچ‌خان نزدیک تخت آمد. خبر آورد که مردم شورش کردند و اجازه خواست که قافله را برگرداند.

هنوز صحبت‌های قلیچ خان تمام نشده که مردم حمله کردند و قلیچ خان مجبور شد صحبت را ناتمام بگذارد و به استقبال مهاجمین برود.

گل‌حرم شعارهایی را که مردم بر ضد شاه می‌دادند می‌شنید و از وحشت و هراس می‌لرزید. تمام مردان جنگی قافله با مهاجمین مشغول جدال بودند. دخترک چشم از میدان جنگ برنمی‌داشت....

● زندانی قلعه‌ی قهقهه/ حمزه سردادور/ چاپ سوم /نشرسمیر/ ۱۳۹۷/صفحه‌ی ۱۵۸